



فرزدم! از خودخواهی و خودبینی به •
درآی که این ارث شیطان است که به واسطه خودبینی
و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی
و صفی او - جل و علا - سر باز زد و بدان که تمام گرفتاری‌های
بنی‌آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است.

نشریه
دانشجویی

تعارف

ماهنامه سیاسی / سال دوم / شماره دوازدهم
انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

آنچه بی‌تعارف
خواهید خوانند

- 1 صدا و سیما و دولت
- 2 شبهه قدیمی و فیلم جدید
- 3 زاغه جاسوسی
- 4 دیدار با دیپلمات انقلابی
- 5 ورود به دایره نظام
- 6 سخن مهمان: سانچی
- 7 در جستجوی عدالت
- 8 قیام خونین مردم قم
- 9 صبح با تحریر! نمره فتنه

سخن سردبیر

بسم الله الرحمن الرحيم

آجرک الله یا بقیة الله

آن روز که برای زمانی طولانی چهره ی
زیبایت را در پرده غیبت کشاندی شیعه ات
را به فقهای شیعه که مانند پیامبران بنی
اسرائیل بودند سپردی و آنها را حجت خود
قرار دادی. درد بی درمان جایی است که
بخشی از همین به ظاهر فقها که سکاندار
امور اجرایی نظام مهدوی بوده واز قضا
جزه خبرگان امت هم هستند، برای از
میدان بدر کردن رقیب وحریف خویش
هر روز بشکلی پنجه به صورت مقدسات
دین می اندازند.اروزی حجاب را و روزی
حدود اسلامی را و روزی آزادی زنان را
و روزی آزادی فضای مجازی را، روزی
اجباری نبودن احکام الهی را و... امروز
هم نقد مقام شامخ شما یعنی جایگاه
عصمت مطلقه حجت بالغه الهی را!؟
شاید در مخیله ما نمی گنجد و تصور
نمی‌کردیم که روزی اصحاب امام و انقلاب
نه تنها امام و انقلاب که امام زمان (عج)
الله تعالی فرجه الشریف را، بلکه
ضروریات و مسلمات مذهب را بازپنجه
قدرت طلبی خود قرار دهند.

منکر سیاه نمایی و بیانه دادن های جناح
مقابل نیستیم ولی آیا زدن حریف هیچ
حد یقینی ندارد؟ باید همه چیز را تاراج
کرد تا مخالفین شکست بخورند؟! آقا و
مولای ما! اینهم بخشی از مظلومیت و
غربت شمامت که باید کسانی که وجودشان
مرهون و مدیون شمامت اینگونه بی حرمتی
و تمک ناشناسی کنند. خودتان کمک کنید
که ما در این دوران فتنه ها ماندم که
چه کنیم؟ نایب مظلومت در بین ما تداعی
گر مظلومیت مسلم بن عقیل دربین سران
شیعه و اشباح الرجال و الرجال لرحال کوفه است.
اغشا وادرتکا یا سیدنا و مولانا.



بصیرت در سایه ولایت

خود سوزانند. آنان که مدعی آزادی عقیده اند، آیا کسی نیست از آنان
بپرسد که این چه آزادی است که هنوز نیامده، جان و مال مردم را تهدید
کرده؟ آیا به راستی با آزادی میتوان کسی را دریند اسارت نشانند؟ در این
حملات ناجورانه‌ده که به اسم دفاع از حقوق و آزادی صورت گرفت، عده ای
از زنان و مردان این خاک شهید پرور، پرپر شدند و با شهادت خود، روح
احساسی ملت متدین ایران را برانگیختند.
فتنه گران که دیدند راه به جایی ندارند، این بار با آتش شعله ور شده ی
کینه، مقدسات اسلامی و عاشورایی را هدف قرار داده و احساس مذهبی
و ملی آنان را جریحه دار کردند. ابتدا با حمله به پایگاه های مقدس مردم؛
یعنی مساجد، به مقابله با ملت و فرهنگ آنان پرداختند. دشمن با استفاده
از مناقین خود سوزانند. آنان که مدعی آزادی عقیده اند، آیا کسی نیست
از آنان بپرسد که این چه آزادی است که هنوز نیامده، جان و مال مردم را
تهدید کرده؟ آیا به راستی با آزادی میتوان کسی را دریند اسارت نشانند؟ در
این حملات ناجوان مردانه که به اسم دفاع از حقوق و آزادی صورت گرفت،
عده ای از زنان و مردان این خاک شهید پرور، پرپر شدند و با شهادت خود،
روح احساسی ملت متدین ایران را برانگیختند.

فتنه گران که دیدند راه به جایی ندارند، این بار با آتش شعله ور شده ی کینه،
مقدسات اسلامی و عاشورایی را هدف قرار داده و احساس مذهبی و ملی
آنان را جریحه دار کردند. ابتدا با حمله به پایگاه های مقدس مردم؛ یعنی
مساجد، به مقابله با ملت و فرهنگ آنان پرداختند. دشمن با استفاده از
مناقین ۹۰۹ تولد دوباره بهار در اوج زمستان بود. هوا سرد بود، اما ملت
گرم از گرمای بصیرت و آگاهی و بینش سیاسی وقتی سطحی به مسئله ۹۰۹
نگاه کنی، خواهی گفت که چه می شد مگر، ملت غیور ایران از حق خود
در انتخابات چشم پوشی کرده و با برگزاری مجدد انتخابات مانع این همه
خسارت می شد. اما این ظاهر ماجراست و عمق فاجعه آنجاست که باید
بگویم اینان مشتی فرصت طلب بودند که از مدت ها قبل به فکر طراحی
این کارناوال آشوب بودند. طوریکه وقتی بهزاد نبوی را دستگیر کرده و اسناد
و مدارک عدم تقلب را نشان داده، گفت: مهم نیست تقلب شده یا نه، ما
۲۰ سال منتظر این آشوب بودیم. آری، چه بد معامله ای شد با او که ندانسته
یا دانسته یا به عرصه میدان فتنه گذاشته بود و در این ره نمی دانم چه شد
که گوش هایش را به روی حرف ولی اش بست اما او در واقع با پیشینه
خاطره ای کوتاه از وزیر امام (ره) بودن، خود را به نابودی کشاند و ملعبه ای
شد برای منافقان و سازمان های جاسوسی اسرائیل و انگلیس و آمریکا تا به
هرطرفی که می خواهند بپرخانندش. اصلا کیرم که آنان اعتراض به نتیجه
انتخابات داشتند چرا به اموال عمومی حمله ور شدند؟ به راستی
فرقشان با انگلوساکسن ها چه بود؟ کشتی بی گناهان چه بود؟ آخر

مگر سطل آشغال خیابان کف دستش را
بو کرده بود که طرف حسابش بربر ها
هستند؟ بی احترامی به عقاید دینی چه
بود؟ به راستی چه می خواستند؟ آیا روا
بود به دنبال عده ای سودجو راه افتاد،
عده ای که برای ضربه زدن به بسیجیان
و انقلابی ها، افرادی به مسلخ مرگ برده
تا به اهداف خود برسند؟
درام سنیمای قتل ندا آقا سلطان (ندای
آزادی این جماعت) تنها یکی از هزاران
دروغ فتنه گران و اربابانسان بود. یا مثلا
دروغ هایی مثل تجاوز در بازداشتگاه ها
و کشته های دروغین که اگر بخواهم شرح
دهم مثنوی هفتادمن می شود.
فقط تا همین حد که یکی از شاهدان قتل
ندا یک روز بعد از قتل به انگلیس رفت
و خدا می داند در آنجا چه ها گذشت.
آیا این آزادی است یا سفاقت و بی عقلی؟
آیا این مدنیت است یا جنگل؟ آیا به
راستی باید کشور را به دست مشتی دیوانه
سپرد که از اداره اعصاب و روان خود نیز
عاجزند؟ دیوانگانی که خود اقرار به عدم
تقلب داشتند اما از روی عناد با حق مقابله
می کردند؟ تا کی باید پهای دشمنی و
ناآگاهی را داد؟ به راستی که اگر بصیرت
در سایه ولایت نباشد، سرنوشتی جز سقوط
نخواهد داشت.

صدا و سیما و دولت

صدا و سیما این روزها حال خوشی ندارند.
از یک سو بوده اش برای همراهی بیشتر
با سیاست های دولت گرو گرفته شده است
و از سوی دیگر در میان بخشی از مردم
تربیون قابل اعتنایی نیست. بی شک این
اوضاع برگ برنده ای برای دولت حسن
روحانی است، چون آن ها همواره از آنچه
در برنامه های صدا و سیما می گذرد ابراز
ناراضی کرده اند. اما تیر خلاص دولتی ها
به تلویزیون در اغتشاشات روزهای اخیر بود.
همان زمانی که احتمالا از سوی شورای
امنیت ملی انعکاس گزارش اعتراضات
شهری در صدا و سیما ممنوع اعلام شد، اما
همزمان آمدنیوز، مطابق این چند سال
اجازه فعالیت داشت. به این ترتیب در همان
زمان که صدا و سیما متهم به سانسور اخبار
می شد، آمد نیوز یکه تا از خبر رسانی
اغتشاشات خیابانی بود. سرانجام در روز
شنبه، وقتی ناراضی ها با تحریک کانال معاند
به شهرهای زیادی کشیده شد و آنچه طراحی
شده بود رخ داد، بالاخره دولت برای دور
کردن اتهام همراهی با کردندگان آمدنیوز،
تصمیم گرفت از ادامه ی فعالیتتاین کانال
و در حالت کلی تر تلگرام جلوگیری کند.
یادمان باشد، در امنیتی ترین دولت بعد از
پیروزی انقلاب اسلامی، وزیر ارتباطات هم،
یکی از کارکنان سابق وزارت اطلاعات است.

ساده ترین شکل نفوذ همین نفوذ مودی می باشد که در آن دشمن جاسوس یا جاسوسانی را در لباس دوست وارد دستگاه مورد نظر می کند و سعی می کند تا از طریق آنها به اهداف خود برسد. هدف در این مدل از نفوذ گاه کسب اطلاعات و یا ارائه اطلاعات نادرست است و گاهی نیز هدف دخالت در امور تصمیم گیری است تا تصمیمات آن نهاد یا سازمان در راه منافع دشمنان گرفته شود.



شما دیدید فتنه‌ای به وجود آمد، کارهایی شد، تلاشهایی شد، آمریکا از فتنه‌گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرتهای غربی، منافقین و سلطنت‌طلبها دفاع کردند نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه‌ی این اتحاد و اتفاق نامیبون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، در روز بیست و دوی بهمین، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد.



شبهه قدیمی و فیلم جدید

محمد امین فرج اللهی نوشت:

چند روز پیش فیلم «دقیقه‌ای دیده نشده‌ای» از جلسه انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر در مجلس خبرگان سال ۶۸ در فضای مجازی منتشر شد. پیمان فیلم، لحظات رای گیری درباره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای است که مرحوم هاشمی رفسنجانی می‌گوید: «آقایانی که با رهبری جناب آقای خامنه‌ای تا رفراندوم البته؛ این موافقه، دانه‌ی نیست» تا اون موقع موافق هستند قیام بفرمایند». با انتشار این فیلم، شبهه‌ها بر موج بی‌اطلاسی نسل جوان سوار شد. اینکه ماجرای رهبری فیلم دیده نشده چیست؟ ماجرای رهبری موافقت و رفراندوم چیست؟ و اینکه آیا این فیلم، ناگفته‌های را بر ملا کرده یا نه؟

ماجرا خیلی ساده است. امام خمینی اردیبهشت ۶۸ در نامه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت، دستور بازنگری برخی اصول قانون اساسی درباره ۸ موضوع از جمله «رهبری» را صادر می‌کند. طبق قانون، اصول جدیدی تصویب شده در این شورا، باید به رفراندوم عمومی گذاشته شده و پس از آن به تأیید رهبری برسد. شورای بازنگری قانون اساسی فعالیت خود را شروع می‌کند، اما یک‌ماه بعد امام فوت می‌کند.

مجلس خبرگان برای تعیین رهبر جدید تشکیل می‌شود. یکی از بحثهای مطرح شده در این جلسه، این است که طبق قانون اساسی مصوب سال ۵۸، «مرجعیت» یکی از شروط رهبری است. اما تصدای از اعضای خبرگان که عضو شورای بازنگری هستند اعلام می‌کنند که در جریان بررسی مساله «رهبری» در

بازنگری قانون اساسی، این مساله مورد بحث قرار گرفته و امام طی نامه‌ای اعلام کرده‌اند مرجعیت را لازمه و شرط رهبری ندانسته و «اجتهاد» را کافی می‌دانند. متن دو نامه پرسش و پاسخ مذکور توسط آیت‌الله امینی در مجلس خبرگان قرائت می‌شود.

بر اساس همین نظر امام، نام آیت‌الله خامنه‌ای که از سال ۶۲ با توجه به مجتهد بودن عضو خبرگان است به عنوان گزینه رهبری مطرح می‌شود. اما چون هنوز بازنگری قانون اساسی به پایان نرسیده، تصمیم می‌گیرند تا رفراندوم اصول بازنگری شده قانون اساسی، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان

رهبر موقت تعیین شود. و پس از رفراندوم، رای گیری مجدد با توجه به قانون جدید انجام شود. این همان تصدای است که در فیلم تازه منتشر شده توسط مرحوم هاشمی مطرح می‌شود. برخلاف شبهات این روزها، این مساله آن زمان به هیچ وجه مخفی نبوده و اعلام می‌شود. ابتدای مرداد ماه، همزمان با انتخابات ریاست جمهوری، اصلاح قانون اساسی نیز به رفراندوم گذاشته می‌شود و با بیش از ۹۷ درصد آراء توسط مردم تأیید می‌شود. چند روز پس از انتخابات و رسمیت یافتن قانون جدید و حذف «مرجعیت» از شروط رهبری، خبرگان مجدداً تشکیل جلسه می‌دهند و در رای گیری مجدد، رهبری آیت‌الله

خامنه‌ای با اکثریت قریب به اتفاق آراء به تصویب می‌رسد. صحبت‌های آیت‌الله مشکینی در این باره ۱۶ مردادماه تیر روزنامه‌های کشور می‌شود.



زاغه جاسوسی

شبهه ۱۸ آذر ماه سال ۹۶ تیر یک رسانه‌های ایرانی و انگلیس خبر ورود وزیر امور خارجه انگلیس بوریس جانسون به ایران را میداد. این دیدار سومین سفر وزیر خارجه انگلیس طی چهارده سال گذشته به ایران بود. اما جانسون با موهای پریشان و لباس نه چندان مناسب در عرف روابط دیپلماتیک و هیئت همراه با ژست طلبکارانه برای ارتقاء روابط سیاسی و اقتصادی به ایران سفر کرده بود؟ یا برای ۵۴۰ میلیون پوند طلب ایران از انگلیس؟ یا عذرخواهی برای فعالیت‌های خصمانه علیه برنامه موشکی و دفاعی ایران؟ جواب منفی است. اصلی‌ترین موضوع مورد بررسی در سفر بوریس جانسون، پرونده‌ی جاسوس دو تابعیتی به نام نازنین زاغری است که توسط اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر شد. اما این پایان ماجرا نیست؛ آزادی کمال فروغی (جاسوس نفتی)، عبدالرسول دری اصفهانی (جاسوس تیم مذاکره کننده هسته‌ای) نیز در دستور کار بوده است.

جالب است بدانید نازنین زاغری به عنوان مادری دلسوز شهروندی بی‌گناه! مورد حمایت سازمان عقوب بین المللی نیز قرار گرفت و نسبت به خودکشی احتمالی او هشدار داد. نازنین زاغری کیست؟ نازنین زاغری با نام‌های مستعار پریسا یا نسترن متولد تهران و فعال در بعضی روزنامه‌های ایرانی بود که برای تحصیل به انگلیس رفته و در دانشگاه سوس (soas) لندن در رشته ارتباطات به تحصیل پرداخت. ابتدا در بنیاد ایران شناسی این دانشگاه که زیر ذره بین MI۶ است فعالیت می‌کرد. در آنجا با ریچارد ردکلیف آشنا شد. ردکلیف محقق است در زمینه مسائل خاورمیانه که بارها به اسرائیل و ایران سفر کرده است. این آشنایت ختم به ازدواج و موجب گرفتارناید تابعیت انگلیسی زاغری شد.

نازنین زاغری هسته مرکزی پروژه سری ایران در BBC و از قضا یکی از چهار شخص مؤسس شبکه BBC فارسی قبل از انتخابات سال ۸۸ بوده است. او دو سال قبل همراه با چند نفر دیگر با بودجه اروپایی-آمریکایی پروژه‌ای بنام Iran project را طراحی، برنامه ریزی و اجرا کرد. آنان افراد مخالف نظام جمهوری اسلامی را گزینش کرده، آموزش می‌دادند و در نهایت افراد شاخص و متخصص را در پروژه ضد ایرانی زیرک‌با به کار می‌گرفتند. نازنین زاغری با ورود به موسسه روتیزر زیر نظر سازمان سیا فعالیت ضد ایرانی ترینینگ استیشن را شروع و در حوزه رسانه و فضای سایبر علیه ایران فعالیت کرد. سرانجام او در یکی از سفرهایش به ایران برای مقاصد جاسوسی دستگیر شد. با این تفاسیر باید از خود پرسید آیا نازنین زاغری برای آموزش خبرنگاری یا دیدن خانواده به ایران آمده بود؟ آدر این بین نباید از خیانت کمال فروغی به ثروت عظیم ایران یعنی نفت و خیانت دری اصفهانی به مذاکرات هسته‌ای چشم پوشید. اما انتظارات از برخورد با این جاسوسان مبادله در ازای پول یا انجام یک وظیفه انسان دوستانه به تعبیر سخنگو وزارت امور خارجه کشورمان یا پنج سال حبس نیست بلکه معاوضه این وطن فروشان با چهار دیپلمات ایرانی و در رأس آنان حاج احمد متوسلانی که سالها در جنگ رژیم غاصب اسرائیل در اذهان به فراموشی سپرده شده است، می‌باشد.

دیدار با دیپلمات انقلابی

ورود به دایره نظام

این روزها اصلاح طلبانی مثل کولایی، مبینی و جهانگیری مدام از وحدت ملی می‌گویند و اینکه زمان آن است نظام کسانی را که چندین سال است کاری گذاشته بار دیگر در آغوش بگیرد تا آنها برای آرام شدن اوضاع پا درمیانی کنند. این درحالی است که از اغتشاشگران، با کمال تعجب شعارهای آشنای رفع حصر شنیده می‌شود و تقریباً همه‌ی چهره‌های شاخص اصلاح طلبی حرکت‌های گروه‌های تند رو را محکوم کرده‌اند. شاید در ابتدا این عکس العمل اصلاح طلبان و البته اعتدالیون در راستای مصالح نظام قلمداد شود اما واقعیت بیانه‌های آن‌ها نشان می‌دهد که کم‌کم خواسته‌های اصلی خود را واضح تر به زبان می‌آورند.

شاهد مثال آنکه حسن روحانی در دو عکس العمل خود بعد از شروع اغتشاشات تأکید می‌کند درخواست‌های مردم تنها معیشتی نیست و فضای باز سیاسی هم مطلوب جمعیت معترض است. شنیده‌ها حکایت از آن دارد که تعدادی از اصلاح طلبان به صورت غیر رسمی پیغام فرستاده‌اند در صورتی که نظام به آن‌ها اجازه حضور در تلویزیون را

بدهد. آن‌ها حاضرند مردم را از ادامه‌ی اعتراضات که مدام هم‌برخونتنش اضافه می‌شود منصرف کنند. به این ترتیب از نظر اصلاح طلبان و اعتدالیون اگر نظام کوتاه بیاید، با تطهیر چهره‌ی اصلاح طلبان، آن‌ها منجی اوضاع این روزهای

ملت ایران خواهند شد. اما اگر نپذیرد... در آن صورت اصلاح طلبان به صورت تئویسی خطر گسترش اعتراضات به صورت انحصارهای صنعتی و کارگری را گوشزد کرده‌اند. این تهدید آشکار نظام از سوی اصلاح طلبان، یک‌شنبه از زبان بی‌بی‌سی هم بیان شد.

شبهه ۹/۵/۱۳۹۶ فرصتی فراهم شد تا اعضای شورای مرکزی و تشکیلاتی انجمن اسلامی با نمایندگی می‌مقام معظم رهبری دکتر سعید جلیلی در شورای عالی امنیت ملی دیدار داشته باشند. ایشان صحبت‌های خود را با یک بحث قرآنی من باب فتنه آغاز کردند: قرآن تأکید دارد که صرف ایمان آوردن کافی نیست و انسان‌ها دائم در معرض آزمایش هستند. بر این اساس اگر برخی رویدادهای بعد از انقلاب تا امروز «فتنه» نامیده می‌شود به خاطر این است که در برهه‌های مختلف آزمایش‌های مختلف شکل گرفته و آزمایش جوامع، یک «سنت» الهی است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند فتنه زمانی آغاز می‌شود که از هواهای نفسانی تبعیت شود. همچنین فتنه به معنای ترکیب شدن «حق» و «باطل» است و اگر قرار بود هیچ نشانه‌ای از حق در فتنه نباشد، تشخیص آن اینقدر دشوار نبود: «کلمه حق یزاد بها الباطل». در بسیاری از مواقع فتنه در نگاه اول حق به نظر می‌رسد اما با گذشت زمان و کاسته شدن کرد و غبار، باطل بودن آن خودش را به خوبی نشان می‌دهد. در تاریخ صدر اسلام تا امروز نیز ارزش یاران حضرت علی علیه السلام مانند مالک اشتر، عمار و... در تشخیص به موقع فتنه‌ها و همراهی آنان با حضرت مشخص می‌شود. حضرت علی در بیان مهم‌ترین ویژگی این افراد می‌فرمایند که به رهبرشان «اعتماد» داشتند و از او «پیروی» می‌کردند. ایشان مثال این قضیه را فتنه‌ی ۸۸ دانستند و بیان کردند ادعای به ظاهر حق سران فتنه یعنی «دموکراسی» مردم را دچار شبهه می‌کرد و با این که نظام توان سرکوب فوری آشوبگران را داشت برای اینکه امر بر مردم روشن شود، صبر پیشه کرد. ایشان با اشاره به آشوب‌های اخیر شهرهای مختلف بیان کردند فتنه امروز نامید کردن مردم و چشم بستن به روی دستاوردهای چهار ساله انقلاب است (حفظ امنیت، توان نظامی، دستاوردهای هسته‌ای) و در مقابل مرتجعان که رویای بازگشت به بدترین دوره‌ی تاریخ ایران یعنی عصر رضاشاهی را دارند، باید ایستاد. لکن از کاستی‌ها نیز نباید غافل شد. همه وظیفه‌ی یک کمک به دولت برای حل مشکلات را دارند.

بخشی از جلسه با دکتر جلیلی به پرسش و پاسخ اختصاص داشت. در بین این پرسش و پاسخ‌ها ایشان از جنبش دانشجویی مطالبه‌ی کار دقیق تر و تخصصی تر در دانشگاه را داشتند مثلاً به جای بررسی مصادیق جزئی فساد این فرد و آن فرد «بودجه خوانی» تخصصی انجام دهند. فرصت ملاقات با یکی از مقامات امنیتی برابیان غافل گیر کننده بود. سادگی و صمیمیت خاصی بر جلسه حاکم بود. دیدار ایشان با دانشجویان و اصناف مختلف تحت عنوان «دولت سایه»، توجه به سیاست مبتنی بر اسلام ناب محمدی، سادگی نشست و برخاست آقای دکتر امری قابل تقدیر است که امیدواریم به سایر مسئولان نیز سرایت کند. ندانم این مدل رفتارها به نظر در ارتقای اخلاق سیاسی حاکم بر جامعه می‌تواند تأثیر گذار باشد. مشروح این گفتگو در سایت حیات طیبه drjally.com قابل دسترسی است. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س) عضو اتحادیه دفتر تحکیم وحدت



حادثه‌ی تلخ و دلخراش جان باختن کارکنان کشتی نفت کش بر اثر آتش سوزی و غرق راه که حقا مصیبت بار و تأثیر انگیز است به خانواده‌های عزادار و بازماندگان آن عزیزان صمیمانه تسلیت عرض میکنم و تسلی و آرامش دل‌های غمگین آنان را از خداوند متعال مسألت مینمایم. آن عزیزان در راه انجام وظیفه و خدمت به کشور خود جان باخته‌اند و این افتخار بزرگی است که شاید بتوانند سنگینی بار این غم را کاهش دهد و دل‌های مصیبت‌دیدگان را آرامش بخشد.



این وحدت کلمه باعث شد که نه شاه با تمام قوایی که داشت، و نه آنهایی که پشتیبانی از او می کردند مثل قدرت امریکا، مثل شوروی، چین، انگلستان - همه این ها پشتیبانی می کردند- لکن به واسطه همین قدرت ملت همه آنها هم پشتیبانی شان را از او برداشتند؛ خودش هم فرار کرد.

سخن مهمان: سانچی

دکترای حقوق کیفری بین المللی-مدرس دانشگاه تیلبرگ هلند

ناگفته های حادثه سانچی از زبان دکتر محمد هادی ذاکر حسین آب و آتش سفر نفتکش سانچی را تا تمام گذاشتند و عزای عمومی رقم زدند. سانچی در سال ۲۰۰۸ میلادی توسط کره ای ها برای شرکت ملی نفتکش ایران ساخته شد. نامش سامان بود؛ تحریم ها که شروع شد مجبور به تغییر نام و تغییر پرچم شد تا بتواند نفت ایران را جا به جا کند

از پرچم مصلحتی استفاده می کرد. نامش نیز فرنگی شد از سامان و سپید به اسب دریا و سانچی تغییر یافت. مدتی پرچم تانزانیا را حمل می کرد؛ آمریکایی ها فهمیدند و تانزانیا را تحت فشار قرار دادند. بعد از آن زیر پرچم پاناما رفت و از حیث قانون رسمی، ثبت شده این کشور و در مالکیت آن بود. عرصه کشتی، در صلاحیت دولت صاحب پرچم است. برای همین است که جعبه سیاه یعنی پاناما بردند. ایران برای دور زدن از تحریم ها مجبور بود که سامان را عروس هزار دامادی سازه که هر جایی راهش بدهند، استفاده از پرچم مصلحتی امر رایجی است که پاناما در آن بیشترین سهم را دارد؛ بیشتر برای فرار مالیاتی و استئمان کارگران اما کاهی هم برای رفع تحریم های ظالمانه می گویند ایران ماجرای حریق سانچی را در ابتدا رسانه ای نکرد. این بی توجهی شاید دلپوش ترس از افشای هویت ایرانی آن بوده باشد. مصلحت اندیشی ای که اگر چنین بوده باشد خلاف تدبیر بوده است.

و یک سوال همیشگی، راستی این همه هزینه این ملت برای برجام داد، حالا غریبانه و مظلومانه و با پرچم یک کشور دیگر به خاطر تحریم ها اینگونه فرزندانش در آتش بسوزند؟ برجام برای چه بود



۲۹ دی، روز غزه

@anjomanalzahra

anjoman_eslami_alzahra

در جستجوی عدالت

دیگر از آن رقص و پایکوبی های خیابانی سال های ۹۲ تا ۹۴ برای توافقات پشت درهای بسته خبری نیست. دیگر پس از بد عهدی عمو سام آن جوان رویی برای رقاصی با پرچم امریکا ندارد. آن یکی نیز دیگر هزار تومانی را بغل یک جلاری نمی گذارد از سال ۹۵ تقریباً ورق برگشت. آن پرچمی که عمر دولت یازدهم صرف آن شد به شهادت مسئولان همین دولت مثل رئیس بانک مرکزی سیف مژمه ای تقریباً هیچ داشت! ۹۵ شاهد تعطیلی روزافزون کارگاه ها و کارخانه ها و به دنبال آن اعتراضات کارگران بودیم و نقطه ی اوج آن را میتوان در اعتراضات کارگران داغ دیده ی معدن یورت گلستان مشاهده کرد. لکن با تمام این که در اردیبهشت ۹۶ مردم بین شعار عدالت اقتصادی و خوف از دیوار کشی بین خیابان ها ترجیح دادند عدالت را قربانی دروغ بزرگ کنند. درحالی که از تابستان ۹۶ پیش بینی می شد تورم به زودی از کنترل خارج می شود این امر تأسف بار اکنون در دی ماه ۹۶ وقوع پیوست. در حالی که دولت تدبیر و امید از شعار های خرداد ۹۲ (ملاک جیب مردم است نه آمار های بانک مرکزی) عدول کرده و به آمارسازی می پردازد و درصدد تورم را تک رقمی یعنی ۸ درصد اعلام می کند. با یک حساب و کتاب ساده میتوان میزان تورم را به دست آورد. یک شانه تخم مرغ ۱۲ هزار تومانی یک شبه تبدیل به ۲۰ هزار تومان می شود.

تورم ۲۰۰۰۰-۱۲۰۰۰=۸۰۰۰

۴۰=۱۰۰×۲۰۰۰۰+۸۰۰۰

تورم ۴۰ درصدی کاملاً خلاف آن چیزی است که رسانه های دولتی مدام درباره نرخ تورم عنوان می کنند. افزایش قیمت حامل های انرژی و صحبت مدام از قطع شدن یارانه ها نیز بر نگرانی مردم افزوده است در حالی که به طور منطقی با نزدیک شدن قیمت حامل های انرژی به قیمت آزاد یا باید شاهد افزایش یارانه ها و یا شاهد افزایش پروژه های خدمت رسانی دولت به مردم از این درآمد جدید باشیم درحالی که این اتفاق رخ نداده است. این روزها کلیپ های ناراحت کننده ای از شهر های ایران در حال پخش در فضای مجازی است. حدود یک هفته قبل در بازار تهران مردم معترض به اوضاع اقتصادی شعار " مرگ بر و ح ا ن ی" سر می دادند. پیش تر از آن نیز هر روز فیلم هایی از مالباختگان موسسات مالی غیر مجاز در فضای مجازی دست به دست می شد. اما اعتراضات مردم مشهد نقطه ی اوج این قضیه بود. جرقه ی ناراضی عمومی مردم به خاطر گرانی، رکود، تورم و بیکاری زده شد اما دیری نپایید که عوامل معاند جمهوری اسلامی از تجمعات سوء استفاده کردند و به گواه شاهدان عینی ماجرا که بنده ی حقیر سعی داشتم با ایشان ارتباط برقرار کنم شعارهای ضد حکومت در میان جمعیت سر داده شد که موجب متفرق شدن جمع کثیری از معترضین شد.

در حالی که رسانه های سعودی مثل آلمدنیز و انگلیسی مثل BBC همواره از عدم وجود آزادی بیان در ایران سخن می گویند، با پر رنگ جلوه دادن این اعتراضات خط بطلان بر گفته های پیشین خود کشیده اند. البته گاف های ایشان در پوشش خبری این وقایع، اسباب خنده ی ما شده است. برای مثال تصویر اغتشاشات تابستان سال ۸۸ را به نام دی ماه ۹۶ منتشر می کنند! یا فیلمی که هیچ کس در آن حتی لب باز نمی کند، صوت تجمعات سلطنت طلبان و شعار درود بر رضا شاه به آن اضافه می کنند. از آن هنگامی که دولت یازدهم کلید حل مشکلات اقتصادی در در لوزان و ژنو جستجو می کرد وبعد از بدعهدی های پی در پی امریکا دریاگرداندن اموال بلوکه شده ی ایران انتظار می رفت به زودی کارد تورم به استخوان های قشر کارگرسد.

خطرات تلخ دوران سازندگی در حال تکرار است. سال های ۷۱ تا ۷۴ نیز عرصه ی اعتراضات خیابانی مردم علیه دولت جناب هاشمی رفسنجانی بود. اعتراضاتی که به اعدام چندین نفر از معترضین ختم شد. بنا به آن عهدی که با امام و پیشوایان روح الله بستیم تا ابد کلید حل مشکلات را در این انقلاب مقدس جستجو می کنیم. لکن همه مقصودند، از آن غایبند ی مجلسی که شکم جلو آورده و تهدید می کند حقوقم را زیاد نکند دزدی می کنم گرفته تا ریاست مجلس آقای علی لاریجانی که با طرح سوال از رئیس جمهور مخالفت می کند. جناب جهانگیری که همک به زخم قشر ضعیف می ریزد و با وقاحت تمام مقابل دوربین ها می گوید تمام شاخص های اقتصادی مثبت است. آقای لاریجانی که گمان می رود سالهاست اسلام رحمانی در قوه ی قضاییه پیشه کرده و با مفسدین از در تسامح وارد می شود و رئیس جمهوری که هنوز مشغول تسویه حساب سیاسی با رقبای انتخاباتی خویش است و مشاور و معاون نیز در تکاپوی این که وقایع اخیر را به ستاد های رقبای سیاسی نسبت دهند. هیئات هیئات که نیروهای انقلابی مشی اصلاح طلبان در پیش گیرند و کارناوال های خیابانی برای تضعیف دولت وقت راه بیندازند خطاب به دروغ پراکنان: آرزوی کندن برچسب فتنه از پیشانی خود و زدن به پیشانی فرزندان روح الله را قطعه به گور خواهید برد. این رشته سر دراز دارد. شاید بتوان گفت ملتی که حافظه ی تاریخی ندارد، گاه مستحق تحمل رنج هاست خاصیت دموکراسی از همین است تر و خشک ما را باهم می سوزاند. با اعتراض خیابانی مخالفیم.

اعتراض ما از نوک قلم ها و حنجره های حسینی نماز عید فطر منتشر می شود. اما کاش رئیس جمهور از پس پرده درآید و صدای ملت را بشنود ملتی که نه از باب سرزنش بلکه از باب نصیحت باید به ایشان گفت آن اردیبهشت آمد اما بهشت ما به یک دلیل نیامد: «نن الله لا یغیّر ما بقوم حتی یغیروا ما بنفسهم» سوره مبارکه رعد آیه ۱۱

مشایخت کنندگان، نخست وزیر، روسای مجلس، وزیر دربار، رئیس ستاد ارتش و گروهی از مقامات وابسته به دربار بودند. فرودگاه مهرآباد در محاصره یگان های گارد شاهنشاهی بود. حدوداً ساعت ۱۱:۳۰ قبل از ظهر، شاه و همسرش با یک هلی کوپتر وارد فرودگاه شدند. شاه در محاصره کوتاهی به خبرنگاران گفت مدتی است احساس خستگی می کنم و احتیاج به استراحت دارم. ضمناً گفته بودم پس از اینکه خیالم راحت شود و دولت مستقر شود، به مسافرت خواهم رفت. این سفر اکنون آغاز می شود و تهران را به سوی آسوان در مصر ترک می کنم.

امروز با رأی مجلس شورای ملی که پس از رأی سنا داده شد، امیدوارم که دولت بتواند هم به جبران گذشته و هم در پایه گذاری آینده موفق شود.

او در مورد مدت سفر هم گفت: ((این سفر بستگی به حالت من دارد و در حال حاضر دقیقاً نمی توانم آن را تعیین کنم.)) (سرانجام شاه روز ۲۶ دی ۱۳۵۷ فرار را برقرار ترجیح داد. ساعت ۱۲:۳۰ ظهر، شاه و همسرش تهران را به مقصد مصر ترک کردند. از اعضای خانواده سلطنتی تنها فرح مانده بود که او نیز همراه همسرش از ایران خارج شد.

پس از خروج شاه از ایران، موج شادی مردمان فرا گرفت و ملت با آمدن به خیابانها و اظهار شادمانی و پخش گل و شیرینی این پیروزی بزرگ را جشن گرفتند و رژیم سلطنتی کمتر از یک ماه پس از فرار شاه سقوط کرد و طومار عمر رژیم سراسر ظلم و جور شاهنشاهی روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ درهم پیچیده شد.

پس از مشاهده شعله های آتش که از صدها نقطه شهر زبانه می کشید، به کاخ نیلوران بازگشت و سفیران امریکا و انگلیس را نزد خود فرا خواند تا تصمیم خود برای تشکیل یک دولت نظامی رابه آنها ابلاغ کند.

فرار شاه





ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم ما که را کم کرده بودیم باید این خود کم کرده را پیدا کنیم و این فکر که بر ما تحمیل شده بود که اگر دست خارج کوتاه شود می میریم را با تمام قدرت از بین ببریم.



حادثه ۱۹ دی مردم قم از ابعاد مختلفی قابل توجه و تأمل است: هم بصیرت در این حادثه موج می زند، هم موقع شناسی، هم دشمن شناسی، هم مجاهدت و اقدام و فداکاری؛ اینها ابعاد این حادثه‌ی عظیمی است که در نوزدهم دی سال ۵۶ به وقوع پیوسته است.



قیام خونین مردم قم

درگذشت دکتر علی شریعتی، فوت مشکوک سید مصطفی خمینی، فضای باز سیاسی و مقاله اهانت آمیز رژیم در ۱۷ دی زمینه های قیام مردم قم در ۱۹ دی را فراهم کرد. هنگام شهادت فرزند امام، عزاداری ها و په دنبال آن تظاهرات گسترده ای در شهرهای مختلف ایران، انجام شد که خشم رژیم را برانگیخت. در نتیجه شاه تصمیم گرفت با انتشار مقاله ای اهانت آمیز، تمامی مقدسات مذهبی، جایگاه روحانیون و... را زیر سوال ببرد. در این متن به شخصیت بزرگ امام خمینی بی احترامی و توهین صورت گرفت. پس از آماده شدن این مقاله، شاه دستور داد تا آن را در روزنامه اطلاعات چاپ کنند که ابتدا با مخالفت مسئول روزنامه مواجه شد زیرا چاپ آن را خطرناک می دانست. اما شاه اعلام کرد که مفاد توهین آمیز این مقاله، با قصد قبلی نوشته شده است لذا دستور شاه اجرا شد و این مقاله به چاپ رسید. پس از چاپ آن، اولین فشری که برآشفته شدند، طلاب و روحانیون بودند. آنها تصمیم گرفتند در اعتراض به این بی احترامی و اهانت به مقدسات، کلاس درس حوزه را در ۱۸ دی ماه تعطیل کنند. صبح روز ۱۸ دی، طلاب و روحانیون به خیابان ها آمدند و به تظاهرات پرداختند و از آنجا به منزل علمای مختلف رفته و از آنها تقاضا کردند تا از امام خمینی دفاع کنند. یکی از روحانیون در سخنرانی های خود در تظاهرات بیان کرد که محتوای این مقاله صرفاً بی احترامی به حضرت امام نیست بلکه بی احترامی به تمامی طلاب و روحانیون حوزه های علمیه است؛ «طالب باید وحدت خود را حفظ کنند. در ادامه ی اعتراضات، بازاریان نیز تصمیم گرفتند در روز ۱۹ دی، مغازه های خود را تعطیل کنند. آنها نیز به خیل عظیم تظاهر کنندگان پیوستند. این تظاهرات با مخالفت ها و سرکوب های نیروی های رژیم مواجه شد و مأموران به سمت تظاهر کنندگان شلیک می کردند. در این میان آنچه از روایت شاهدان باقی مانده، حدود ۶ نفر شهید و بسیاری زخمی شدند.



جروحان به بیمارستان منتقل شدند اما عده ای هم از ترس ساواک به بیمارستان مراجعه نکردند زیرا ساواک پس از بهبودی، آنها را برای بازجویی با خود می برد. آنچه در این قیام مهم است آن است که اگر حمایت و همراهی مردم با طلاب نبود، این قیام انجام نمی شد. ویژگی اصلی این قیام حمایت و اعتراض افشار مختلف مردم است. پس از این قیام عده ای از طلاب که صرفاً به بحث و درس حوزه و فقه می پرداختند و به مسائل سیاسی پیرامون خود بی توجه بودند، دریافتند که باید نسبت به حوادث سیاسی هوشیار باشند. در این قیام، تو خالی بودن شعار فضای باز سیاسی نیز نشان داده شد چرا که اگر فضای باز سیاسی حاکم است، نباید نسبت به اعتراض مردم برای انتشار مطالب غیر واقعی چنین واکنشی از سوی رژیم انجام شود.

صبح با تحریم! ثمره فتنه

اعمال اولین تحریم ها از جانب دولت امریکا علیه ایران به سال ها پیش یعنی مدتی پس از اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام باز می گردد. علت این اقدام دانشجویان پذیرش شاه به بهانه ی درمان از سوی ایالات متحده بود. از آن جایی که این گروگانگیری ضربه ی تحقیرآمیزی بر پیکره ی دولت امریکا بود. امریکا پس از این که تمام حربه های نظامی و... را جهت آزادسازی گروگان ها انجام داد، سرانجام با شکست سیاست های نظامی و گرفتار شدن نیروهای امریکایی در طوفان طمس به تحریم اقتصادی روی آورد. این سیاست جدید امریکا زمینه ساز مذاکرات الجزایر شده به طور خلاصه در بیانیه ی الجزایر قرار بر این بود که امریکا در ازای بازگشت گروگان ها دارایی های ایران در امریکا و اموال شاه فراری را استرداد کند؛ همچنین در امور داخلی کشور ایران دخالت نکند و تمام تحریم های تجاری یکباره لغو شود. تعهداتی که هرگز به صورت تمام و کمال انجام نشد. در حالی که گروگان های امریکایی یک روز پس از بیانیه ی الجزایر آزاد شدند. این شکست ایران در مذاکره با امریکا علاوه بر خیانت دولت امریکا ساده لوحی مذاکره کنندگان وقت و در رأس ایشان بهزاد نبوی را نشان می داد. تا پیش از سال ۲۰۰۰ تحریم های علیه ایران به بهانه ی تروریسم بود اما به تدریج پا گرا دادن برخی چهره های اصلاح طلب همچون احمد شریزاد در مجلس ششم و متهم کردن ایران به داشتن بمب اتمی، تحریم های بر روی موضوع هسته ای ایران متمرکز شد. پدر سال های

اصلاحات دولت وقت جهت جلوگیری از ارجاع پرونده ی هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ابعاد برنامه ی هسته ای خود را محدود و محدود تر می کرد. لکن با روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد به خاطر عدم پذیرش محدودیت های هسته ای پرونده ی هسته ای ایران به سازمان ملل ارجاع داده می شود و امریکا چارچوبی قانونی برای اعمال تحریم ها به دست می آورد و موفق میشود متحدان خود را جهت تحریم ایران بسیج کند. اما این در حالی است که پس از هر قطعنامه و تحریم ایران از دستاوردهای جدید هسته ای خود، رونمایی می کند. این ماجرا تا روی کار آمدن دولت باراک اوباما در امریکا ادامه دارد. اوباما که ظاهراً این نزاع را بی فایده می داند، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸ و فقط دو روز مانده به انتخابات ایران پیام مهمی را خطاب به رهبران ایران مخابره می کند. محتوای این پیام بدین شرح بوده است که «بدون جمهوری اسلامی مسائل منطقه و بین الملل حل نخواهد شد» پس از ۲۲ خرداد ۸۸ و مشخص شدن مقبولیت بالای ۶۰ درصدی رئیس جمهور منتخب و شرکت ۸۵ درصدی مردم در انتخابات و تثبیت قدرت هسته ای ایران، امریکا عقب نشینی خود را افزایش می دهد و تصمیم می گیرد از در گفتگو و مذاکره وارد شود. با وجود این شانس بزرگ جمهوری اسلامی اما اوضاع به گونه ای دیگر رقم می خورد. میرحسین موسوی نامزد شکست خورده ی انتخابات ۸۸ در بیانیه ای مقاومت های تیم مذاکره کننده را «عقب نشینی از حقوق ملت» عنوان کرد. نزدیکان وی نیز همچون محسن مخلفب با حضور در امریکا و گفتگو با چهره های سیاسی این کشور تحریم های جدید علیه ایران را درخواست کردند. موضوعی که هیچ گاه از سوی میرحسین موسوی تکذیب نشد. این امر موجب تغییر رویکرد جدید باراک اوباما شد. او پس از دیدن اغتشاشات ایران عنوان کرد که «به نظر نمی رسد ایران از نظر سیاسی آنقدر وضع ثابتی داشته باشد که بتوانند درباره مسئله هسته ای تصمیم های سریع اتخاذ کنند. از سوی دیگر، اوضاع داخلی ایران موجب پیچیده تر شدن تلاشها برای رسیدن به توافق میان ایران و قدرت های جهان سر مسئله سوخت اتمی شده است» تعلیق حدود یک ساله ی مذاکرات هسته ای از ژوئن ۲۰۰۸ نیز خود گواه این مسئله است که طرف امریکایی امید داشت با فتنه ۸۸ شاهد بر اندازی نظام باشد در بهمن سال ۸۸ در حالی که اغتشاشات خیابانی رو به اتمام بود و نیروی انسانی جریان سبز از هم پاشیده شده بود قطعنامه ی ۱۹۲۹ به مثابه ی تنفس مصنوعی احیاگر جریان فتنه شد.

پس از وقایع آن سال بهانه های نظامی و حقوق بشری نیز بر بهانه های هسته ای برای تحریم ایران اضافه شد و بدین شکل شاهد تحریم بانک مرکزی، بانک تجارت، اشخاص حقیقی و حقوقی، تحریم های نفتی و... هستیم. در حالی که پس از برجام نیز ما شاهد تحریم های جدید همچون تحریم ویروسی کاتسا و به عبارتی یک تحریم کمرشکن هستیم اما آرامش جامعه به نحو دیگری است. بهتر بگوییم خیانت روزنامه ها و رسانه ها در تیره و تار کردن تحریم های پس از سال ۸۸ و گرا دادن خودیان غیر خودی به طرف غربی را نمی توان فراموش کرد.



تیترا اخبار منطقه

نامه اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین به رهبر انقلاب:

ملت فلسطین مواضع ثابت و ارزشمند ایران در مسئله قدس رامی ستاید



سومین موشک یمنی به عمق خاک عربستان شلیک شد

یک منبع در واحد موشکی و پدافند هوایی ارتش و کمیته های مردمی یمن گفت: این موشک به دقت به هدف خود اصابت کرد. این سومین موشکی است که طی چند روز اخیر به عمق خاک عربستان شلیک می شود.



ردیای امارات در اغتشاشات اخیر رئیس دفتر نخست وزیر سابق لیبی: الان وقت ندارم چون مشغول اعتراض های داخلی ایران هستم

الجزیره یک فایل صوتی منتسب به «نورالدین بوشیحه» مدیر دفتر نخست وزیر سابق لیبی که از نزدیکان به امارات است را منتشر کرده که در آن خواستار اعمال فشار بر ملت تونس برای شرکت در تظاهرات علیه حزب النهضة و دیگر شخصیت های برجسته تونس با هدف براندازی گروه اخوان المسلمین می شود. او می گوید در ازای تلاش گسترده برای فشار بیشتر بر تونس، حمایت مالی و رسانه ای امارات را خواهند داشت. وی اشاره می کند که تیم او سرگرم تظاهرات ها در ایران هستند و فرصت برای پرداختن به تونس را ندارند.



سختگوی دولت در رابطه با استرداد دارایی های ایران از آمریکا: اینقدر مثل کاسبها چرتکه نیندازید که چقدر گرفتیم، چقدر نگرفتیم